داکتر خلیل الله هاشمیان ۲۰۱۵/۰۲/۰۷

به جواب آقای سراج وهاج

از آنجائی که چشمان ضعیف من تایپ کردن را در کلکین نظریابی میسر نمی سازد، جواب خود را در قالب یک مقاله تقدیم میکنم – علت تأخیر در تقدیم جواب ناخوشی و نقاهت دوامدار بوده که مجال تفکر و تحقیق را میسر نمی ساخت – الحمدلله امروز بهترم :

اول)- میخواهم پیام سابق خود را در کلکین نظریابی تکرار کنم، زیرا بعضی کلمات حتی یک جملهٔ آن از جانب آقای وهاج حذف و مورد تصرف قرار گرفته است. اینست متن کامل ایمیل سابق من:

"" دوستان محترم آقایان ولی نوری، سراج وهاج، و عزیزی صاحب !

من با تجربهٔ ۷۰ ساله در نویسندگی هر قدر سنجیدم به خاطر به کدام نتیجه نرسیدم که محتوی، نماینده و نمایانگر متن است نه معکوس آن. اگر متن درست و روشن نباشد، محتوی نیز مغلق و نامفهوم میباشد.

دوستان محترمی که به دامن محتوی چسپیده اند، امیدوارم ملتفت شوند که اگر متن آبگین باشد، محتوی مانند دوغ ترش از دامن متن میریزد. خواهشمندم تجربهٔ این مو سپید را با ختم این بحث بپذیرند تا نوبت به بسی موارد مهمتر میسر گردد. با احترام-هاشمیان ""

دوم)- من در سطر اخیر ایمیل خود نوشته ام: ""خواهشمندم تجربهٔ این مو سپید را با ختم این بحث بپذیرند..."" اما اقای وهاج که خود را نویسنده و مجله دار میخواند جملهٔ فوق مرا چنین حذف و تصرف کرده است: "این بحث را ختم کنید تا نوبت به موارد مهمتر میسر گردد."" آقای وهاج از غرور همیشگی خود کار گرفته می خواهد به چشم مردم خاک بپاشد، یعنی جمله ایکه با "خواهش" آغاز یافته، آنرا به زعم خود به "امر" تبدیل کرده است. این در حالیست که خود وهاج میگوید: این موضوع: ""مربوط به پالیسی نشراتی پورتال بوده، نه تنها ربطی به شما ندارد، بلکه به زعم شما "دوغ ترش" و بسیار بی اهمیت هم هست..."".

سوم)- همانطوریکه آقای وهاج درک و اعتراف نموده که خواهش من برای ختم این بحث بعنوان پورتال صادر شده، زیرا پورتال صلاحیت ختم و دوام اینچنین مباحث را دارد، نه من و نه سه دوست محترمی که عنوان شده اند – و دلیلی که من از مقام پورتال تقاضای ختم این بحث را کردم این بود که سه نفر دوستان عنوان شده بشمول من چهار نفر در بارهٔ مرجح بودن متن و محتوی نظرات مختلف داشتیم که من میدانستم یکی بدیگر تن نمی دهیم، لهذا دوام بحث را ضیاع وقت دانسته از مقام پورتال خواهش ختم آنرا نمودم- در چنین "خواهش" من، آقای وهاج اصلاً در فکر و مخیله ام نمی گذشت و پذیرش یا عدم پذیرش این خواهش را قطعاً به آقای وهاج مرتبط نمیدانستم، اما شما دیدید که آقای وهاج با غرور و تکبر و خودنمایی همیشگی که دارد، کلمات اصلی جملهٔ مرا حذف و تحریف کرده و از بقایای آن، خود را خودش تحریک نموده است.

چهارم)- آقای سراج وهاج در سطر اول اعتراضیهٔ خود هاشمیان را مخاطب قرار داده میگوید "دقیقاً میدانم چرا میخواهید مرا تحریک کنید تا جواب بنویسم". فکر میکنم سطر فوق را آقای وهاج به حالت غیر نورمال نوشته باشد، زیرا در آنچه من در بالا نوشته ام و افغانها آنرا میخوانند، زمینه یا قصد تحریک اصلاً درآن وجود ندارد- اینکه اقای وهاج خود بخود تحریک میشود، حساسیت های مختلف بشمول تخریش در وجود، علت آن بوده میتواند که باید نزد طبیب مراجعه کند- و انگهی نمیدانم آقای وهاج چرا اینقدر حساسیت دارد که تصور کند من از بستر مریضی در پی تحریک او برآمده باشم، جز اینکه او را غرور پیچانده باشد و تصور کند شخصیت برازنده ایست که مردم در پی تحریک و تخریش او برآمده اند ؟

حالا که خود را خود تان به تحریک مواجه ساخته اید، علاج آنهم بدست شماست !

پنجم)- بر می گردیم به موضوع رجحان بین "متن" و "محتوی": آقای وهاج میگوید: "این دخالت شما متأسفانه رنگ خود بزرگ بینی داشت و لحن اهانتبار." آقای وهاج از بسکه در مجلهٔ (درد دل) افسانه های خود را به مثابهٔ کلمات مقدس میفروشد، تصور میکند هرچه را او رنگ "بزرگ بینی و اهانتبار" بدهد، اهل خبره نیز آنرا می پذیرند! وقتی یک مو سپید یک "خواهش" کند، خواهش معنی بزرگ بینی را ندارد، آقای وهاج علم معانی نخوانده معنی "خواهش " را در قبال "بزرگ بینی" درک نتوانسته است. و انگهی اگر آقای وهاج از مفهوم نویسندگی چیزی آموخته باشد، لطفا در چهار سطر ایمیل فوق من نشان بدهد که کدام کلمهٔ آن "اهانتبار" است – من نه به آقای

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وهاج اهانت کرده ام، نه به آقایان ولی نوری و عزیزی و نه هم به پورتال – در ایمیل من قصد اهانت و تحریک هر دو وجود ندارد - تکلیف تحریکی که از مطالعهٔ ایمیل من به آقای وهاج رخ داده نأشی از عجله و عدم غور خودش بوده میتواند! خواهش و تقاضای من از همه خوانندگان محترم این پورتال اینست که بی طرفانه اظهار نظر کنند کدام فقره یا جملهٔ ایمیل فوق مرا "اهانتبار" تشخیص میدهند.

چرا آقای وهاج فکر می کند که تنها او نظر صائب دارد و هر نظری که او در بارهٔ متن و محتوی ارائه کند باید به حیث بهترین پذیرفته شود؟ و هرگاه شخص دیگری در زمینه اظهار نظر کند آقای وهاج تحریک میشود! نظر هاشمیان در آن مورد همانست که قبلاً اظهار شده، یعنی "اگر متن درست و روشن نباشد، محتوی نیز ناقص خواهد بود. "اما من بالای نظر فوق خود اصرار ندارم، زیرا میدانم نه به حیث یک بحث فلسفی بلکه به اصطلاح فی المجلس اظهار شده، از جانب دیگر آقای وهاج طرفدار محتوی است، و من مانند آقای وهاج این تاپهٔ نادانی را به پیشانی خود نمی زنم که بدون ارائهٔ دلیل بگویم: " آقای هاشمیان...حرف های شما در مورد متن و محتوی که معانی خاص خود را دارند، کاملاً غلط است." (نوشته وهاج، پاراگراف دوم از طرف اخیر). این خصلت، یعنی خود را برتر و ذیحق شمردن و دیگران را بدون دلیل "غلط" قلمداد کردن، یک نوع جنون است که میگویند به تداوی دوامدار ضرورت دارد.

آقای وهاج درست میگوید که: "متن و محتوی معانی خاص خود را دارند" – من با علم معانی بار اول در پوهنځی ادبیات آشنا شدم، و بار دوم بطور اختصاصی به هنگام تحصیل در امریکا، زیرا علم معانی یکی از شعبات ۱۳ گانهٔ علم زبانشناسی است- من در صنوف چهارم دیپارتمنت های انگلیسی و دری مضمونی بنام (ترجمه) تدریس میکردم که مولود علم معانی است – البته مضمون ترجمه بدون علم نحو تدریس شده نمی تواند و علم نحو شعبهٔ دیگری است از علم زبانشناسی. اما آقای وهاج که لیسهٔ نجات را از صنف دهم ترک و به کتابت به مطبوعات رفته، با علوم معانی و نحو در کجا و بچه سویه آشنایی پیدا کرده است ؟

ششم)- غرور و گستاخی دیگر آقای وهاج اینست که در حالیکه زبان انگلیسی را اینجا و آنجا چند کلمه یاد گرفته، ترجمهٔ انگلیسی کلمهٔ متن را به (text) و ترجمهٔ انگلیسی کلمهٔ محتوی را به (container) مثل یک معلم به من یاد داده است (نگاه: چهار سطر اخیر نوشتهٔ وهاج)، در حالیکه او از سوابق کار و تدریس من در کابل و امریکا خبر دارد. طرفه اینکه آقای وهاج معنی کلمهٔ (محتوی) را درست نفهمیده و آنرا به انگلیسی به غلط معادل (container) ترجمه کرده است. او فکر می کند که در مسایل علمی اظهار نظر کردن مانند یک مقاله ایست که در مجله خود می نویسد: ترجمهٔ کلمهٔ عربی (محتوی) بزبان انگلیسی (content)، (containment)است، نه (container) که وهاج معرفی کرده است. ترجمهٔ کلمهٔ انگلیسی (container) بزبان دری (در بر گیرنده – احتوا کننده) است، یعنی هر ظرف (بوتل، دیگ، مرتبان، تغاره؛ آبدان، چاینک و امثالهم) را میتوان (کانتینر) نامید.

هفتم)- در زبان انگلیسی اصطلاح (اسم فاعل) رایج نمیباشد- کلماتی از قبیل (porter),(gardener),(driver),(cleaner) به حیث اسم عام معرفی شده، در حالیکه از لحاظ معانی مفهوم انجام فعل در هر یک ازین کلمات وجود دارد. اما کلمهٔ (container- احتوا کننده) که آن نیز در انگلیسی به حیث اسم عام معرفی شده، درین کلمه از لحاظ علم معانی مفهوم اتجام فعل وجود ندارد، زیرا یک شی (مایع یا جامد) در بین یک ظرف قرار گرفته میباشد. از جانب دیگر علم زبانشناسی پذیرفته که هر زبان دستور مخصوص و مشخص خود را دارد، یعنی قانون دستور یک زبان بالای زبان دیگر تطبیق شده نمیتواند- به ارتباط کلمه عربی (محتوی) ترکیب لفظی ذیل را در زبان دری از زاویهٔ علوم معانی و نحو مورد تحلیل قرار میدهیم:

محتوی این مرتبان فاسد شده است = این مرتبان محتوِی اشیای فاسد است = این مرتبان محتوی فاسد دارد: (درین ترکیبات لفظی در زبان دری برای کلمهٔ (محتوی) چطور میتوان موقف (اسم فاعل) یا(اسم مفعول) را قایل شد؟ از زاویهٔ معیار های علم نحو، هیچکدام ترکیبات لفظی فوق را در زبان دری نمیتوان جمله خواند! زیرا مفاهیم (فاعل، فعل، مفعول) درین ترکیبات دیده نمیشود ! ترکیبات فوق هر کدام از زاویهٔ قواعد علم نحو یک (فقره) شناخته میشود.

ترکیب لفظی دیگر در زبان دری را مورد تحلیل قرار می دهیم : ترموز محتوِی چای است = محتوی ترموز چای است = ترموز چای دارد – در دو ترکیب لفظی اول کلمهٔ عربی (محتوی) تابع دستور زبان دری واقع شده خصلت فاعل بودن و مفعول بودن خود را از دست میدهد، بلکه خصلت اسم عام را در بر می گیرد، زیرا عین مفهوم دو ترکیب لفظی فوق را میتوان در قالب ترکیب لفظی سوم، یعنی (ترموز چای دارد) بیان کرد - یک شخص دری زبان که با کلمات عربی و خصلت دستور عربی بلد نباشد، در دو ترکیب لفظی فوق قطعاً ملتفت فاعل بودن و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مفعول بودن کلمهٔ (محتوی) شده نمیتواند، بلکه (محتوی) را مانند (ترموز) و(چای) اسم عام میشمارد. در حالیکه دری زبان عربی فهم کلمهٔ (محتوی) را در ترکیب (ترموز محتوِی (mohtawi) چای است) اسم فاعل و در ترکیب (محتوی (mohtawa) ترموز چای است) اسم مفعول به خاطری می خواند که املاء هر دو کلمه ارائه شده است.
این تفصیل مختصر به ارتباط معیار های علم نحو به خاطری تقدیم میشود که کلمهٔ (محتوی) بطور مجرد آن طوری که در بعضی فرهنگ ها درج میباشد تا زمانی اسم فاعل یا اسم مفعول شناخته نمی شود که یا املاء درست آن در زبان عربی ارائه نشده باشد و یا اینکه در یک فقره یا جمله استعمال نشده باشد !
آقای وهاج چونکه در علم نحو شناخت و تجربهٔ کافی ندارد، کلمهٔ (محتوی) را از صفحه ۳۸۹۷ جلد سوم فرهنگ محمد معین اقتباس کرده خواهد بود (پاراگراف اخیر، سطر دوم نوشتهٔ آقای وهاج) که در آنجا این کلمه بشکل ذیل درج شده است :
محتوی : احتواء (اسم فاعل) مذکر ------ محتویه : (اسم فاعل) مونث
هموطنان محترم ملتفت می شوند که فرهنگ معین کلمهٔ (محتوی) را (بدون املاء آن از مصدر(احتواء) به حیث (اسم فاعل) معرفی کرده، اما ازین نوع معرفی مجرد کلمهٔ (محتوی)، تا زمانیکه املاء این کلمه (mohtawi) ارائه نشده باشد، حتی عرب زبان فهمیده نمی تواند که اسم فاعل است یا اسم مفعول !!! زیرا کلمهٔ (محتوی) در زبان عربی هم اسم فاعل است و هم اسم مفعول. من قبلاً در مقاله ای پیرامون (پروسهٔ وامگیری) که در آرشیف این پورتال موجود است نوشته بودم که کلمات اجنبی به چهار نوع وامگیری میشوند: **باعین تلفظ وعین معنی – با تغییر تلفظ و عین معنی – با عین تلفظ و تغییر معنی– با تغییر تلفظ و تغییر معنی–** اگر املاء کلمهٔ (محتوی) در زبان دری (مثلاً با یای معروف) درج و ارائه نشده باشد، دری زبان میتواند به اساس خصلت دستور زبان دری کلمهٔ (محتوی) را به حیث اسم عام بخواند.
هشتم)- اعتراف من نیز قابل شنیدن است که در آغاز تدریس در پوهنځی ادبیات در دستور زبان عربی فقط به آن اندازه خود را وارد ساخته بودم که ممد تدریس مضمون دستور زبان دری واقع شده میتوانست، و با همان سویهٔ لیسانس مدت هشت سال تدریس میکردم و خوشبختانه دو رسالهٔ بسیار غنیمت علمی یکی توسط مرحوم پوهنوال نسیم نگهت و دیگری توسط مرحوم پوهنوال رحیم الهام به اثر توجه وزیر معارف (مرحوم دکتور پوپل) به منظور خاتمه دادن به مواد درسی ایرانی تهیه شده بود – رسالهٔ استاد نگهت را در سمستر اول و رسالهٔ استاد الهام را در سمستر دوم صنوف اول تدریس میکردم – در سال اول هر دو استاد مذکور سیمینار های ماهوار دایر می کردند و مشکلات استادان نو کار از طریق این سیمینار ها رفع میگردید.
به منظور کمک به آقای وهاج تا با مفهوم و معنی (اسم فاعل) در کلمات عربی خوبتر آشنا شود، چند مثال (اسم فاعل) را از کلمات عربی، نه از حافظهٔ خودم، بلکه از رسالهٔ علمی مرحوم پوهاند نسیم نگهت به عنوان **"پیرامون وجوه ساختمانی کلمات زبان دری"**، چاپ گردیده، توسط مدیریت عمومی نشرات پوهنتون کابل- ۱۳۵۷ ، از صفحات ٤٤ و٤٥ آن رساله اقتباس میکنم :
(صائب) اسم فاعل است از (صواب) - (مصیب) اسم فاعل است از (اصابت) – (متناسب) اسم فاعل است از (تناسب) – (مصلح) اسم فاعل است از (اصلاح).
در مسایل دستور زبان اتکاء کردن به فرهنگهای ایرانی (معین و عمید) خود را بازی دادن است، زیرا ایرانی ها در تحت عنوان (زبان فارسی) بسیار بدعت آفریده اند و آقای وهاج خودش نیز پیرامون تصرفات غیر مشروع و مداخلات ایرانیها مقالات نوشته است. محمد معین در صفحهٔ ۲۰ فرهنگ خود زیر عنوان **"زبانهای ایرانی کنونی"** چنین نوشته است: "" فارسی نو (دری): این زبان مهمترین زبانها و لهجه های ایرانی است.""
در زبان دری کلماتی از قبیل (جونده)، (خورنده)،(جوینده)، (رونده)، (درنده) اسم فاعل شناخته میشوند. تعریف اسم فاعل در زبان دری آنست که بر کنندهٔ کاری دلالت کند که در پنج مثال بالا دیده میشود. مرحوم پوهاند نگهت در رسالهٔ خود خاطر نشان ساخته که در قاموسهای ایرانی این نوع کلمات را (صفت فاعل) خوانده اند، در حالیکه در زبان دری بعضی ازین کلمات مثلاً (درنده) به معنی صفت استعمال میشود، اما اصطلاح (صفت فاعل) بیشتر بالای یکعده کلمات عربی از قبیل (ظالم)، (قاتل)، (غافل)، (کاهل)، (قاسم) و امثالهم تطبیق میگردد (از تفصیل پیرامون چگونگی و تفکیک اسم از صفت، به خاطر جلوگیری از طوالت کلام منصرف میشویم). سفارش صمیمانهٔ من اینست که آقای سراج وهاج و هر افغان دیگری که مکتب را تکمیل نتوانسته، اگر خواسته باشند در ساحهٔ دستور زبان دری معلومات کافی حاصل کنند، رساله های پوهاند نگهت و پوهاند الهام را که بعداً بشکل کتاب هم چاپ شده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

بودند، مطالعه نمایند. این دو رساله بار اول حد فاصل بین زبان فارسی و زبان دری را از زاویهٔ دستور زبان ایجاد کردند.
از آنجائی که در انجام یک دورهٔ طویل نقاهت این مقاله را در یک موضوع خشک دستوری نوشته ام، یقیناً عاری از نواقص و اشتباهات نخواهد بود. از دانشمندان افغان از قبیل جناب آقای محمد داود موسی که در هر سه زبان (به شمول انگلیسی) مطالعات و دسترس کافی دارد – جناب استاد داکتر عبدالستار سیرت ، جناب استاد عبدالعلی نور احراری، جناب آقای فضل غنی مجددی و جناب آقای دوست محمد بدخشی که در زبانهای عربی و دری صلاحیت علمی دارند – دستور شناس ماهر افغان آقای سید مسعود فارانی و هر افغان دیگری که در علوم نحو و معانی علاقه و مطالعات داشته باشد، احتراماً تقاضا میکنم بالای نواقص و اشتباهات من آزادانه تبصره نمایند تا این بحث "محتوی" احتوائی را نصیب گردد.
آقای وهاج در چند مورد در ارتباط به موضوعات شخصی نیز بر من تاخته است. من در زندگی طولانی خود طبعاً اشتباهات زیادی را مرتکب شده ام، اما هیچوقت و هیچگاه خود را به پول یا چوکی و مقام نفروخته ام، و از بیان حق و حقیقت هرگز نترسیده ام – افغانها به داخل و خارج افغانستان هر کس بنوعی مرا می شناسد. من و آقای سراج وهاج در ساحهٔ اکادمیک دو تجربه و سابقهٔ مختلف داشته ایم که طرز دید مشترک را میسر نمی سازد و دوام صحبت بیهوده میباشد- لهذا من موضوع را شخصی نساخته و به همینقدر توضیحات در بعضی موارد مربوط به علوم نحو و معانی اکتفاء میورزم.

بااحترام

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ